

Original Article

Comparison of the Wisdoms of Creation from the Perspectives of the Holy Quran and Citizenship Rights

Mohammad Hossein Pirooz¹, Jafar Taban^{2*}, Yadollah Maleki³

1. Ph.D. Student, Department of Quran and Hadith, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.
2. Department of Quran and Hadith Sciences, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Shahid Mahallati College, Qom, Iran. (Corresponding Author) Email: jafartaban@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

Received: 2 Nov 2019 Accepted: 8 Feb 2020

Abstractt

Background and Aim: Creation can be realized purposeful, wise and sagacious in case that its meaning and ultimate goal have been specified for all the creatures, human beings included, and, additionally, all these creatures be in search of this goal's achievement since the very beginning of the creation. The primary goal of this research is the comparative investigation of the wisdoms of creation from the perspectives of the holy Quran and the citizenship rights.

Materials and Methods: This article has been written based on a documentary and library research through the use of theoretical and descriptive analysis of the data.

Findings: From the perspective of the philosophers, theologians and interpreters, the God's goal of the creation of the creatures other than human beings is generally providing the human beings with the conditions of a clean and healthy life. On the other hand, the petition for the enforcement of the justice is the creation's goal from the viewpoint of the citizenship rights. In fact, the philosophies of the creation opined by the Holy Quran and the citizenship rights are supplementary especially in regard of this idea that the canonical ruler's accusation will be deemed unlikely with an emphasis on the citizenship rights' foundations and his power is divided and delimited and the road would be paved for the citizens and people's participation so that they can have their rights fulfilled.

Conclusion: With an emphasis on the indicators of justice and petition and in order to be able to give rise to the embodiment of the creation's goal from the perspective of the holy Quran in the society, it is necessary for the citizenship rights and their requirements to be flowing and streaming in the Islamic society.

Keywords: Citizenship Rights; Wisdoms of Human Creation; World's Creation

Please cite this article as: Pirooz MH, Taban J, Maleki Y. Comparison of the Wisdoms of Creation from the Perspectives of the Holy Quran and Citizenship Rights. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 551-561.*

مقایسه حکمت‌های آفرینش از دیدگاه قرآن و حقوق شهروندی

محمدحسین پیروز^۱، جعفر تابان^{۲*}، یداله ملکی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

۲. گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران؛ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده شهید محلاتی قم، قم، ایران.

(نویسنده مسؤول) Email: jafartaban@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۱ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

چکیده

زمینه و هدف: آفرینش را در صورتی می‌توان هدفمند، عالمانه و حکیمانه دانست که معنی و غایت آن برای همه موجودات از جمله انسان مشخص باشد و این موجودات از نخستین روز آفرینش در پی این هدف در تکاپو باشند. هدف اصلی در این پژوهش بررسی مقایسه‌ای حکمت‌های آفرینش از دیدگاه قرآن و حقوق شهروندی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مقاله به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از تحلیل نظری و توصیفی داده‌ها انجام می‌پذیرد.

یافته‌ها: از نگاه فیلسوفان، متکلمان و مفسران، هدف خدا در خلقت دیگر موجودات به غیر از انسان، به طور عمده فراهم‌ساختن شرایط زندگی پاک و سالم برای انسان است. از طرفی، مطالبه‌گری برای اجرای عدالت هدف آفرینش از نگاه حقوق شهروندی می‌باشد. در حقیقت فلسفه آفرینش از نگاه قرآن و حقوق شهروندی مکمل یکدیگر می‌باشند، خصوصاً از این منظر که با تأکید بر مبانی حقوق شهروندی، حاکم از موضع اتهام دور می‌شود و قدرت او تقسیم و تحدید می‌گردد و راه برای مشارکت مردم و شهروندان گشوده می‌شود تا بتوانند حقوق خود را به دست آورند.

نتیجه‌گیری: با تأکید بر مؤلفه‌های عدالت و مطالبه‌گری، برای این که بتوان اهداف آفرینش از نگاه قرآن را در جامعه متجلی ساخت، لازم است حقوق شهروندی و الزامات آن را در جامعه اسلامی جاری و ساری نمود.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی؛ حکمت‌های آفرینش انسان؛ آفرینش جهان

مقدمه

خدای بلند مرتبه در قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید، بی‌گمان در این مایه عبرتی برای مؤمنان است» (۱).

بنابراین درک این‌که انسان چرا به این دنیا آمده است و هدف از آفرینش انسان چه بوده است، بسیار مهم و ضروری می‌باشد. در نهایت در این پژوهش بررسی می‌شود که نگاه قرآن به آفرینش تا چه میزان با نگاه حقوق شهروندی مشابهت یا تفاوت دارد؟

حکمت

حکمت واژه‌ای عربی است و با توجه به اعجاز و زیبایی‌های زبان عربی می‌توان انتظار چندین معنی را از این کلمه داشت که در ادامه به طور مختصر به این معانی پرداخته می‌شود.

- معنای اول این ریشه را برخی «بازداشتن» دانسته‌اند (۲)، این معنی را می‌توان در بازداشتن از کار بد و ناپسند و در نهایت بازداشتن انسان از گناه تعبیر کرد.

- اگرچه «بازدارندگی» یکی از عناصر واژه حکمت می‌باشد، اما یکی دیگر از مفاهیمی که از حکمت برداشت می‌شود، قراردادن هر چیز در جای خود و به تعبیری، حفظ تعادل است.

- نسبت‌دادن چیزی به چیز دیگر چه به صورت سلبی و چه به صورت ایجابی از دیگر معانی حکمت است که از این معنی درست داوری‌کردن استنباط می‌شود که از اقتضائات حکمت است.

- شناخت بهترین چیزها با برترین دانش‌ها از دیگر معانی حکمت است که این معنی به شناخت خداوند و دین‌داری تعبیر شده است (۳).

- دست‌یافتن به حقیقت به یاری علم و عقل (۳).

- علم همراه با عمل.

- سخن موافق با حق.

- سخن معقول دور از حشو.

- دانشی که آدمی به کمک آن افعالش را از روی تدبیر و اتقان انجام می‌دهد.

مسئله «فلسفه آفرینش» در علوم مختلفی مطرح است و تنها دغدغه دین‌شناسان قرار نگرفته است. در مورد مسئله «فلسفه آفرینش» متخصصین و اندیشمندان علوم اخلاق، فلسفه و عرفان طی قرون متمادی به بحث نشسته‌اند و برخی سعی در اثبات هدفمندبودن آن داشته‌اند. در این میان برخی استدلال‌ها مورد قبول واقع شده است و در برخی موارد نیز ضمن رد دلایل، اندیشمندان از پذیرش هدف و مقصودی برای آفرینش عاجز مانده‌اند.

مسئله «فلسفه آفرینش» تحت عناوینی از قبیل «چرایی خلقت»، «مسئله غایت‌مندی»، «هدف‌داری از خلقت یا هدف خلقت» در علوم مختلف از جمله فلسفه و عرفان مطرح می‌شود. در کنار این دیدگاه‌ها می‌توان از زاویه جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه نیز به این مسئله نگریست، اما آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، نگاه قرآنی به فلسفه آفرینش و تطابق آن با نگاه حقوق شهروندی می‌باشد. پاسخ به سؤالات مد نظر در مورد «فلسفه آفرینش» بر جهت زندگی انسان در جهان اثر می‌گذارد؛ از این رو ارائه پاسخ صحیح و استدلال عالمانه در این زمینه بسیار بااهمیت است. در این پژوهش همچنین این مهم مطرح می‌شود که نگاه قرآنی به «فلسفه آفرینش» تا چه میزان اصول حقوق شهروندی را در دل خود جای داده است.

یکی از موضوعاتی که در قرآن کریم به گونه‌ای مبسوط و موکّد تبیین گردیده است؛ مسئله خلق و آفرینش جهان هستی و مجموعه کائنات در مفهوم مطلق آن است. نشانه‌های قدرت خداوند در زمین بسیار فراوان هستند. همانطور که امروز علوم مختلف هم در مورد موجودات بسیار ریز و ذره‌بینی و هم در مورد کهکشان‌ها و اجسام بسیار بزرگ در جستجوی کشف حقایق هستند؛ خداوند در قرآن نیز با اشاره به کهکشان‌ها و مظاهر قدرت خداوند انسان را به تفکر در آفرینش فراخوانده است. در این بین خداوند موجودات پیچیده کوچک را نیز برای نمایان کردن عظمت آفرینش فراموش نکرده و گاهی به موجوداتی همچون زنبور عسل مثال می‌زند.

قرآن

قرآن مجید، کتاب آخرین برگزیده الهی بر روی زمین می‌باشد که خود به علت فصاحت و دقت مطالب، معجزه پیامبر بزرگوار اسلام محسوب می‌شود.

حقوق شهروندی

حقوق شهروندی، سازوکاری است که چگونگی روابط مردم، دولت، مؤسسات و حقوق و تکالیف آنان را در برابر یکدیگر تنظیم می‌نماید. بیشترین تقابل در اینجا فیما بین حقوق شهروندان و اختیارات دولت است (۴)؛ از یکسو شهروندان به دولت قدرت می‌بخشند و از سوی دیگر حقوقی را تحت عنوان حقوق شهروندی مطالبه می‌کنند. این دسته حقوق در جهان معاصر نظیر عدالتخواهی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی همچنین حق آزادی بیان، امنیت، حق حمایت‌های مادی و درآمدی، بهداشت و درمان و... معرفی شده‌اند.

در تعاریف دیگری حقوق شهروندی به امتیازی برای شهروندان تعبیر شده است که شامل حال تک‌تک افراد جامعه می‌شود (۵). تعدادی از این حقوق، فطری و ذاتی بوده، مثل حق حیات و حق آزادی که همیشه همراه انسان هستند و منحصر به دیروز و امروز نیستند؛ اما مواردی مانند حق کار، تجارت، تعلیم و تربیت از جمله موارد عرفی و قراردادی هستند که در هر دوره زمانی بنابه اقتضائات تغییر می‌کنند. جوامع در سیر تحول خود ناگزیرند حداقل حقوق را به عنوان کف مطالبات حقوق شهروندی بپذیرند. هر جامعه‌ای به اقتضای شرایط خود تلاش دارد، سطح کیفی این حقوق را ارتقاء بخشد (۶).

حقوق شهروندی با حقوق بشر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. حقوق بشر عالی‌ترین هنجار حقوقی فهم می‌شود. حقوق بشر علاوه بر این‌که بر کرامت انسانی استوار است، به مثابه موهبتی نیست که دولت یا نهادی بتواند آن را به کسی اعطا کند (۷). بخشی از حقوق بشر می‌تواند شکل و شمایل ملی به خود گرفته و در قانون اساسی یک کشور به گونه‌ای تعریف شود که شامل حال شهروندان کشوری خاص گردد. در این

صورت این بخش از حقوق بشر را که دارای رنگ و تعلق ملی است، حقوق شهروندی می‌نامند (۸).

اصطلاح حقوق شهروندی برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی با صدور بخشنامه رییس وقت قوه قضاییه در ۲۰ فروردین ۱۳۸۳ وارد نظام حقوقی ایران شد. مفاد بخشنامه مذکور ناظر به رعایت برخی از حقوق شهروندان در بُعد قضایی است. پس از این بخشنامه، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۵ عیناً آن را به عنوان قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تصویب کرد. قانونگذار با فاصله نزدیک ۵ ماه پس از تصویب قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دامنه شمول حقوق شهروندی را علاوه بر گستره قضایی به سایر گستره‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، تعمیم داد (۷).

در جوامع توسعه‌یافته، با تکیه بر حقوق شهروندی به اصلاح ساختار سیاسی توجه جدی می‌شود؛ همینطور به کنترل جمعیت، محیط زیست، حق رأی، حق دادخواهی عادلانه، حق برخورداری از آزادی بیان، حق تشکیل انجمن‌ها و نهادهای غیر دولتی؛ اما در جوامع توسعه‌نیافته، هم‌جهتی میان زمینه‌های پیشرفت، کم‌رنگ است. «شهروند از عوامل مهم تأسیس دولت است، همان‌گونه که در فرمانبرداری سهیم است، باید در حکمرانی هم سهیم باشد. در چنین فرآیندی است که حقوق شهروندی به رسمیت شناخته می‌شود» (۸).

حکمت آفرینش جهان از دیدگاه قرآن

بعد از این‌که از طریق آیات و بحث‌های پیرامون آن ثابت می‌شود که خلقت جهان بدون هدف نیست این سؤال مطرح می‌گردد که هدف از خلقت جهان هستی چیست؟ هدفداری آفرینش از دیدگاه قرآن را می‌توان در سه گروه آیات قرآنی دنبال کرد که در ادامه به تفصیل به این آیات اشاره می‌شود:

۱- آیاتی که هدف را از افعال الهی نفی می‌کنند

برخی آیات وجود دارند که در نگاه اول منکر هدفداری آفرینش می‌شوند «لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ» (۱).

آفرینش نادیده گرفت. با توجه به این‌که خداوند در قرآن به هدفدار بودن خلقت اشاره می‌کند و آن را باطل نمی‌داند، در جدول ۱ به نظر مفسران بزرگ قرآنی در مورد این مفهوم اشاره شده است.

در مجموع از این بند نتیجه‌گیری می‌شود که منظور خداوند از این‌که باطل نیست، این است که در آفرینش حتماً هدفی والا وجود دارد، هرچند برخی انسان‌ها از درک آن عاجز باشند. همچنین با توجه به حکیم‌بودن خداوند منطقی نیست که چیزی را بیهوده آفریده باشد.

۳- آیاتی که دلالت بر بازیچه‌نبودن آفرینش عالم «آسمان‌ها و زمین» می‌نمایند

قرآن کریم در آیات زیادی به بازیچه‌نبودن آفرینش اشاره دارد. در ادامه چندین آیه در این زمینه از باب مثال بیان می‌گردد:

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ» (۱).

«ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است به بازی نیافریده‌ایم.» این آیه اشاره دارد که خلقت آسمان‌ها و زمین برای بازی و سرگرمی نبوده است و هدف والای آفرینش از عظمت آن مشخص است.

کلمه لعب که در فارسی نیز کاربرد دارد، به معنی بازی، سرگرمی بوده و به هدفدارنبودن کاری اشاره دارد (۱۰).

مفسران دینی لایع را کسی دانسته‌اند که کاری را بیهوده و بی‌هدف انجام می‌دهد (۱۳).

در نهایت از بحث ارائه‌شده می‌توان نتیجه گرفت که خداوند حکیم جهان را به وجود نیاورد تا پس از مدتی آن را نابود کند و از بین ببرد، بلکه آن را برای هدفی مشخص آفریده است و جهان بسوی آن هدف در حرکت است.

جایگاه انسان در آفرینش از منظر قرآن

در مباحث قبل اشاره گردید که خداوند تمامی آسمان‌ها و زمین و موجودات را مسخر انسان قرار داده است. خداوند در قرآن هم انسان را مذمت کرده است و هم به مدح انسان پرداخته است. انسان هم می‌تواند به بلندترین و رفیع‌ترین درجات برسد و هم بسیار پست‌تر از موجودات دیگر باشد. این

این آیه اشاره دارد که خداوند هرگز در مورد افعالی که انجام می‌دهد، مورد بازخواست واقع نخواهد شد و این انسان‌ها هستند که بازخواست شده و باید پاسخگو باشند.

هرچند در ظاهر این آیه بیان می‌دارد که خداوند پاسخگو نخواهد بود، اما در حقیقت این آیه به این مهم اشاره دارد که علم و دانایی انسان در مواردی که هدف آفرینش خداوند را درک نمی‌کند، باعث گمراهی می‌شود. همچنین استنباط دیگری که از این آیه می‌شود، این است که انسان نباید به خداوند اعتراض کند.

امام می‌فرماید: «برای این که او «خداوند» کاری را جز از روی حکمت انجام نمی‌دهد» (۹). از این جمله می‌توان نتیجه گرفت که اگر کسی سؤالی از نوع اعتراض به خداوند داشته باشد، به این دلیل است که در شناخت خدا کوتاهی کرده و به حکیم‌بودن خداوند پی نبرده است.

۲- آیاتی که اثبات هدف می‌کنند

آیات بسیار زیادی وجود دارد که هدف از آسمان‌ها و زمین را باطل نمی‌داند و این آفرینش را کاملاً هدفمند می‌داند. در ادامه به برخی آیات در این زمینه اشاره می‌شود.

خداوند در سوره آل عمران می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ آيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا شُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (۱).

در این آیه خداوند به هدفمندبودن آفرینش آسمان‌ها، همچنین زمین و شب و روز اشاره دارد و می‌فرماید، اندیشمندان قطعاً هدفداربودن آفرینش را تشخیص می‌دهند.

جای دیگر می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا» (۱).

این آیه اشاره دارد که کافران بر بیهوده‌بودن آفرینش اصرار دارند و آن‌ها را به عذاب بیم می‌دهد.

در مورد آیات قرآن می‌توان اشاره داشت، مثال‌هایی که خداوند در قرآن در مورد معجزه‌های خلقت بیان داشته است، در کنار سادگی بیان، عظمت آفرینش را نمایان می‌کند. همچنین با پیشرفت علم هرگز نمی‌توان این عظمت را در

تفاوت در سرنوشت انسان، به علت همان اختیاری است که خداوند به او عطا فرموده است. در ادامه به برخی توصیف‌های خداوند از انسان در آیات الهی اشاره می‌شود.

۱- خداوند انسان را به عنوان خلیفه خود بر روی زمین انتخاب کرده و به این طریق شأن و منزلت وی را ارتقا بخشیده است.

«وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (۱).

در این آیه اشاره می‌کند که خداوند به فرشتگان گوشزد می‌کند که در مورد انسان حقایقی را می‌داند که فرشتگان از آن بی‌خبر هستند و به همین سبب انسان را بر روی زمین خلیفه خود قرار داده است.

یا برای نمونه، جای دیگر فرموده:

«وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ، إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (۱).

این آیه اشاره به سرمایه‌هایی دارد که خداوند انسان را در زمین به وسیله آن‌ها آزمایش می‌کند و به نحوی معنی خلافت را آزمایش‌شدن بر روی زمین تعبیر فرموده است.

۲- ظرفیت علمی انسان بسیار وسیع بوده و ضمن برترین بودن در عالم آفرینش، این توان بسیار گسترده می‌باشد.

«وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (۱).

در این آیه اشاره به برتری انسان در آموزش و یادگیری اسما نسبت به فرشتگان دارد و خداوند به فرشتگان می‌فرماید من به آنچه شما می‌دانید و آنچه شما پنهان می‌کنید، آگاهی دارم.

۳- در اعماق فطرت و وجدان خود، انسان وجود خداوند را درک می‌کند و به آن ایمان دارد. این مهم نیز موهبت الهی به انسان است.

«وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا

كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (۱)؛ «هنوز که فرزندان آدم در پشت پدران خود بوده خداوند آنها را بر وجود خود گواه گرفته و آنها گواهی دادند و پس از آن رهنمون می‌دارد که چهره خود را بسوی دین نگاه‌دار؛ همان که سرشت خدائست و همه مردم را بر آن سرشته است».

پس می‌فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَیْمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدِّقُونَ؛ پس تو روی به دین استوار (اسلام و خدایپرستی) آور پیش از آنکه روزی بیاید که هیچ کس نتواند از امر خدا آن را برگرداند (و) در آن روز (بزرگ قیامت) خلاق فرقه فرقه شوند (گروهی دوزخی و گروهی بهشتی گردند)» (۱).

۴- سرشت انسان تنها دارای عنصر مادی نیست و خداوند در سرشت او آمیخته‌ای از طبیعت و ماورای طبیعت را قرار داده است.

«الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ، ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ، قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ؛ آنکه هر چه را آفرید، نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد، سپس نسل او را از شیر کشیده‌ای که آبی پست است قرار داد، آنگاه او را بیاراست و از روح خود در او دمید» (۱).

۵- آفرینش انسان حساب شده بوده و وی از ابتدا موجودی برگزیده بوده است.

«ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدَاهُ؛ سپس (خداوند) او (آدم) را برگزید ...» (۱).

۶- در کنار داشتن رسالت و مسؤولیت، انسان موجودی آزاد و دارای اختیار می‌باشد.

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا؛ همانا امانت خویش را بر آسمان و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، همه از پذیرش آن امتناع ورزیدند و از قبول آن ترسیدند، اما انسان بار امانت را به دوش کشید و آن را پذیرفت همانا او ستمگر و نادان بود» (۱).

و جای دیگر می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ همانا اوست که آنچه در زمین است برای شما آفریده است
در جای دیگر می‌فرماید:

«وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (۱)؛ پس خداوند آنچه در آسمان‌ها و در زمین است را مسخر انسان، قرار داده است.

۱۱- خداوند انسان را برای این آفریده که تنها او را بپرستد و او را اطاعت کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ همانا جن و انس را نیافریدیم، مگر برای این که مرا پرستش کنند» (۱).

۱۲- انسان فقط در راه پرستش خدا و به یاد خدا خود را درمی‌یابد و اگر خدای خود را فراموش کند، خود را فراموش کرده است و سرگردان می‌شود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرُ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای اهل ایمان، خداترس شوید و هر نفسی نیک بنگرد تا چه عملی برای فردای قیامت خود پیش می‌فرستد و از خدا بترسید که او به همه کردارتان به خوبی آگاه است» (۱).

۱۳- انسان همین که از این جهان رحلت کند، بسی حقایق پوشیده که امروز بر او پنهان است بر او آشکار گردد؛ قرآن مجید می‌فرماید:

«لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ؛ همانا تو از این (روز مرگ) در غفلت بودی پرده از کار تو برانداختیم پس اکنون دیده‌ات تیز است» (۱).

۱۴- ممکن است انسان در حرکت خود تنها رضایت خداوند را در نظر داشته باشد. این گونه نیست که تنها محرک انسان، خواسته‌های مادی زندگی دنیوی باشد.

«ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً؛ ای نفس آرامش یافته، همانا به سوی پروردگارت بازگرد و با خشنودی متقابل؛ تو از او و او از تو خشنود است» (۱).

نگاه حقوق شهروندی به آفرینش

به طور کلی باید اذعان داشت، هر قدر حقوق شهروندان تکامل یابد، خود به خود قدرت نیز تحدید می‌شود و عرصه بر

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ... ما انسان را از نطفه‌ای مرکب و ممزوج آفریدیم تا او را مورد آزمایش قرار دهیم، سپس او را شنوا و بینا قرار دادیم همانا راه را به او نمودیم او خود یا سپاسگذار است و یا کافر نعمت می‌شود» (۱).

۷- شرافت و کرامت ذاتی انسان باعث شده خداوند وی را به عنوان اشرف مخلوقات انتخاب کند؛ انسان گوهر وجودی خویش را تنها با شناخت همین شرافت و کرامت ذاتی درمی‌یابد. در آیه ۷۰ سوره اسراء می‌خوانیم:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْءِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ همانا ما بنی‌آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را بر خشکی و دریا مسلط کردیم و از روزی‌های پاکیزه بخشیدیم و آنان را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم».

۸- خداوند انسان را وجدان اخلاقی داده که به حکم الهام فطری، زیبایی و زشتی را درک نماید؛ در سوره شمس می‌فرماید:

«وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا. فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ سوگند به نفس انسان و آنکه آن را اعتدال بخشید؛ آنکه پاکی‌ها و ناپاکی‌ها را به او الهام کرد؛ هر آنکس که نفس خود را تزکیه نمود به سعادت رسید».

۹- انسان فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد چه اینکه خواسته‌های او نامحدود است، به هر چه برسد از آن دلزده می‌شود، مگر آنکه به ذات بی نهایت خدا بپیوندد؛ قرآن در این باره می‌فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ ... همانا تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد (۱). جای دیگر می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان تو بسوی پروردگار خود بسیار کوشنده هستی و عاقبت او را دیدار خواهی کرد» (۱).

۱۰- همه نعمت‌هایی که در زمین و آسمان است، خداوند برای انسان آفریده است. خداوند در سوره بقره آیه ۲۹ می‌فرماید:

وجود ندارد (۱۵). این عین عقلانیت است که شهروند اگر مکلف به پرداخت مالیات است، خدمت نظام می‌کند، در مخارج عمومی و اطاعت از نظم کوشا است، دارای حقوق سیاسی و اساسی قابل استیفا نظیر، حق مشارکت در سرنوشت، حق دادخواهی، حق مصونیت از بازداشت خودسرانه، حق آزادی بیان، باشد (۱۶). بنابراین فلسفه آفرینش از نگاه حقوق شهروندی رعایت انصاف و تعادل همه‌جانبه است.

نگاه حقوق شهروندی به جایگاه انسان در منظومه آفرینش

از نگاه حقوق شهروندی دادن عقل به انسان مهم‌ترین دلیل برتری او بر سایر مخلوقات است. عقل یک منبع اصیل در عرض منابع متنی - کتاب و سنت - است که متأسفانه بسیار مهجور مانده است. در خصوص مسائل نوپیدا نباید گفت عقل توانایی ندارد. عدم تمسک به عقل، حکومت را در موضع اتهام قرار می‌دهد و عدالت مجریان حکومتی را تضعیف می‌کند. استاد محقق داماد در این خصوص می‌فرماید «وقتی حکومتی نظام جامعه و ملتی را بر عهده می‌گیرد، هرگونه سوء جریان در روابط حقوقی اجتماعی، ناشی از عدم تدبیر - و عقلانیت - اوست (۱۷). و بر می‌گوید «حقوق به سوی معقول شدن پیش می‌رود؛ در این تحولی که باید صورت گیرد، عقل مستقل نقش به‌سزایی دارد؛ عقل زاده جامعه است.»

همچنین استاد محقق داماد می‌گوید «اگر روزی عقلا گفتند دموکراسی خوب است، زندگی بر اساس جامعه دموکرات می‌شود حکم خدا. زمانی شیخ قبیله حاکم بود، همه از او تبعیت می‌کردند، اما اکنون عقل انسان‌ها می‌گوید برای تنظیم روابط اجتماعی باید دموکراتیک زندگی کرد. این معنایش تغییر حکم خدا نیست. این یک اصل عقلایی و خردمندانه است که حاکم باید در جهت «خواست مردم» تصمیم بگیرد و اقدام کند و فقط انتخاب وی توسط مردم مبین دموکراتیک بودن جامعه نیست» (۱۸).

رسیدن به حقوق خویش و جاری کردن عدالت در زمین مهم‌ترین انگیزه‌های آفرینش انسان در این جهان از نگاه حقوق شهروندی می‌باشد. در همین راستا، امام علی (ع) می‌

حکام تنگ می‌آید. اولین فایده این وضعیت، رفع اتهام استبداد از خود حاکمان است. این عین عقلانیت حکومت است که خود، عقول شهروندان را در تصمیمات و در اجرا، مشارکت دهد تا در توفیق و عدم آن با مردم و شهروندان شریک باشد. درست است که حقوق شهروندی مفهومی جدید است، اما دلیلی ندارد که برای مفاهیم عمیق همچون هدف از آفرینش نظرگاهی برای آن قابل ترسیم نباشد.

به نوعی می‌توان گفت، حقوق بشر از جمله اکتشافات جدید و فوق‌العاده مهم بشر است که اهمیت آن از اهمیت الکتریسیته، اتم، جاذبه و کدهای ژنتیک کم‌تر نیست. آدمی به صرف آدم‌بودن یک رشته حقوق جدایی‌ناپذیر دارد. حقوق شهروندی در آغوش این حقوق متولد می‌شود. شهروندان همه از حقوق برابر برخوردارند. این رأی حکیمانه که آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم مپسند، متضمن روح حقوق شهروندان، که همان «عدالت» است، می‌باشد. «راولز» فیلسوف آمریکایی که می‌گفت *Justic as Fairness*، سخنش همین بود: عدالت به مثابه انصاف (۱۴). بنابراین می‌توان بیان داشت که هدف از آفرینش در حقوق شهروندی اجرای عدالت و کمال انسان به وسیله رعایت عدالت و انصاف می‌باشد.

نباید اصرار داشت که احادیث و اخبار حکم تمام مسائل و رویدادها را از قبل معلوم کرده است. گفته شده که مفهوم حاکمیت در شکل امروزی آن بسیار پیچیده‌تر از عصر شارع بوده است. در آن زمان رابطه فرادست و فرودست تحت عنوان بیعت شکل می‌گرفت. رعیت عنان امور را یک‌طرفه و پس از بیعت به ید و اختیار حاکم می‌سپرد و سر سپردگی می‌کرد. در آن دوران رفاه اجتماعی، تأمین اجتماعی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات معنا و مفهوم نداشت. چگونه است که با فقدان این موضوعات، اخبار آن دوران بر این امور ناظر هستند؟!

از مهم‌ترین معیارهای شهروندی، نقش شهروندان در بنا، رشد و توسعه شهر و همشهریان است. شهروندان را افرادی می‌دانند که دارای نیازهای متقابل بوده و بر اساس نوعی تقسیم کار (به تعبیر دورکیم) برای یکدیگر، زمینه‌های حق و تکلیف متقابل فراهم می‌کنند. در اینجا مسأله همکاری برای سعادت جمعی مطرح است. در حقوق بشر چنین ملاحظاتی

و کاملی از سوی خداوندی که حکیم بودن آن به اثبات رسیده نمی‌تواند بی‌هدف باشد. این مسأله در علوم مختلف مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه اندیشمندان فلسفه، روان‌شناسان و سایر متفکرین در این زمینه متفاوت بوده، که در این پژوهش، استدلال‌های قرآنی محور بحث قرار گرفت. بحث‌های تحقیق نشان داد که از سویی، قرآن، اصول حقوق شهروندی را گرامی داشته و از سویی دیگر، از منظر حقوق شهروندی هدفداربودن آفرینش و کرامت انسانی مورد تأیید قرار گرفته است.

مطالبه‌گری برای اجرای عدالت هدف از آفرینش از نگاه حقوق شهروندی می‌باشد. در تنظیم حقوق شهروندی علاوه بر اراده شهروندان، اراده حاکمیت هم حضور و ظهور دارد. فساد «احتمالی» ناشی از واگذاری پاره‌ای حقوق اساسی به صاحبان آن حقوق، بی‌مورد و ناشی از عدم اعتماد به مردم جامعه خویشان است و اهداف آفرینش از نگاه حقوق شهروندی را مخدوش می‌کند. عزت مردم در مشارکت آنان با حاکمیت است که بی‌گمان خواست شریعت هم همین است. عقل بزرگ‌ترین اختلاف ماهوی انسان و سایر موجودات است که از نگاه حقوق شهروندی این عقل باعث شده تا هدف از آفرینش انسان تلاش برای اجرای عدالت در زمین باشد.

بدین قرار، نه‌تنها شریعت مانع و رادع از تحقق حقوق شهروندی به مفهوم مدرن آن نیست، بلکه به نحو اصل اولی، قائل به جواز این امور مباح است. در حقیقت فلسفه آفرینش از نگاه قرآن و حقوق شهروندی مکمل یکدیگر می‌باشند خصوصاً از این منظر که با بکارگیری عقل و عدالت در مدیریت جامعه، حاکم از موضع اتهام دور می‌شود و قدرت او تقسیم و تحدید می‌گردد و حتی بر مشروعیت وی افزوده می‌شود، و راهی برای مشارکت مردم و شهروندان گشوده می‌شود تا بتوانند حقوق خود را به دست آورند. بنابراین لازم است حقوق شهروندی در جامعه اسلامی جاری و ساری باشد تا آنکه بتوان اهداف آفرینش از نگاه قرآن را در اجتماع پیاده نمود.

فرمایند «ای مردم این امر حکومت، امر شماسست، هیچ کس به جز کسی که شما او را امیر خود گردانید، حق امارت بر شما را ندارد. ما دیروز هنگامی که از هم جدا می‌شدیم، من قبول ولایت را ناخوشایند می‌پنداشتم، ولی شما این را نپذیرفتید. آگاه باشید که من جز کلید دار شما نیستم و نمی‌توانم حتی یک درهم را به ناروا از بیت‌المال برگیرم» (۱۹).

در این بین تأمین حق آزادی بیان بسیار پراهمیت است، چون نقطه مقابل حاکمیت بلاعزل فرد یا عده‌ای خاص است. نمی‌توان تصور کرد شهروندان فرد یا افرادی را خود انتخاب کنند و بر کرده قدرت بنشانند، اما در سلب قدرت از آنان نقشی نداشته باشند. خصوصاً این که گفته شده «قدرت فساد می‌آورد و قدرت مطلق مطلقاً فساد آورد» (۲۰).

تبعیضی بالاتر از این نابرابری در تقسیم قدرت وجود ندارد و هیچ عقلانیتی این رویه را امضا نمی‌کند. از نظر نائینی محدودیت قدرت حاکمیت، فقط در سایه «آگاهی» ملت امکان‌پذیر است (۱۶). سیدمحمود طالقانی، هرگز نگران انحراف مردم جهت انتخاب ناشایست حاکمان نبوده، برعکس دغدغه‌اش این بود که مبدا به بهانه عدم انحراف مردم، قدرت، انحصاری شود که نتیجه‌اش محدودیت حقوق شهروندان است (۲۱).

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «احکام اسلامی مطلوب بالعرض و اموری ابزاری برای اجرا و گسترش عدالت هستند». عدالت آنقدر مهم است که جایگاه حاکم، حدود و ثغور اعمال و فرامینش بدان سنجش می‌شود (۲۲).

در مجموع، باید گفت، از منظر حقوق شهروندی رسیدن به حقوق عادلانه در دنیا و ایجاد دنیایی پر از عدالت مهم‌ترین فلسفه آفرینش انسان در جهان بوده است.

نتیجه‌گیری

ابن مسأله که آفرینش خداوند بی‌هدف نیست، بارها در آیات قرآن ضمن بکارگیری تعابیر مختلف و متفاوت برای درک همگانی مورد اشاره قرار گرفته است. در مورد بیهوده‌نبودن آفرینش علاوه بر تمام استدلال‌های قرآنی می‌توان اشاره داشت که خلق چنین دنیای پیچیده، هماهنگ

جدول ۱: نظر مفسران بزرگ در مورد هدف از آفرینش و باطل‌نبودن آن در قرآن کریم

اندیشمند	نظر ارائه‌شده
طباطبایی	باطل در لغت به معنای چیزی است که غایتی ندارد تا غرض به آن تعلق گیرد (۱۰).
قرطبی	یعنی عبث و هزل نیافریده‌ای، بلکه به خاطر این آفریده‌ای که دلیلی بر قدرت و حکمتت باشد (۱۱).
ابن کثیر	یعنی این خلق را عبث نیافریده یا بلکه به حق آفریده‌ای تا بدکاران را به آنچه کرده‌اند و نیکوکاران را به بهتر از آنچه کرده‌اند، پاداش دهی (۱۳).
طبری	باطل را عبث و لعب تفسیر کرده و با نفی آن آفرینش عالم را هدفدار دانسته و هدف آن را امری بزرگ از قبیل ثواب و عقاب و محاسبه و مجازات می‌داند (۱۲).
طبرسی	«باطل را به عبث و بدون حکمت تفسیر کرده و با نفی آن خلقت آسمان‌ها و زمین را ناشی از داعی حکمت بزرگ و غرض صحیح و مصلحت می‌داند و آن غرض و حکمت این است که آفرینش این‌ها دلیل بر وحدانیت خداوند و حجتی بر کمال حکمت او و همچنین دلیلی برای مکلفین در شناخت حضرتش باشد و نیز مخلوقاتش را در آن‌ها اسکان دهد یا به طور کلی آن‌ها را در معرض ثواب قرار دهد و از عقاب ایمن سازد».
ملاصدرا	یعنی آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده‌ای تا حق را بر خلق اظهار یابی و این وسیله‌ای برای رسیدن خلق به حق باشد.

References

1. The Holy Qur'an. Ankabut: 44; Anbya: 23; AleImran: 190-191; Sād: 27; Dukhan: 38; Baqarah: 30, 31-32, 29; Anām, 165; Aarāf, 172; Sajdeh, 7-9; Rum: 43; tāhā, 122; Ahzab: 72; Insan: 3; Ra'd: 28; Ensheqaq: 6; Jathiyah: 13; Zāriāt: 56; Hashr: 18; qāf: 22; Fajr: 28.
2. Ibn Fars A. Mujam Maqaees al-Loghah. Beirut: Maktab Al-elam al-Islami; 1404.
3. Ragheb Isfahani H. Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Beirut: Dar al-Alam; 1412 AH.
4. Roshan M, Biranvand R, Yarahmadi H. Citizenship Law, Background and Its Position in Police Relations. *Islamic Insight and Education* 2014; 11(30): 203-244.
5. Fallah Mohammadloo H. Citizenship and Urban Management. Qazvin: PR gov; 2015. Available at: <http://www.ostan-qz.ir>.
6. Hemmati M. Social Economic Rights and Its Relation to Citizenship in the Light of Rawls's Theory of Justice. *Journal of Jurisprudence* 2007; 11(58): 27-52.
7. Ghazi Pour S. Introduction to Citizenship Rights. Available at: <http://www.mehrbanhp.blogfa.com>.
8. Ghazi Shariatpanahi A. Requirements of Constitutional Law. Tehran: Mizan; 2003. Vol.1.
9. Sheikh Sadough M. Al-Tohid. Qom: Islamic Publishing Institute; 1423 AH.
10. Tabatabai SMH. Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran. Qom: Islamic Publications Office of Teachers of Qom Theological Seminary; 1417 AH.
11. Qortobi M. Tafsir Qortobi. Beirut: Institute of al-Tariq al-Arabi; 1405 AH.
12. Tabari M. Tafsir al-Tabari. Beirut: Dar al-Fekr; 1415 AH.
13. Ibn Kathir AI. Tafsir al-Qur'an al-Azim. Beirut: Dar al-Marefa; 1412 AH.
14. Soroush AK. Politics. Tehran: Sarat Publications; 2004.
15. Javid MJ. Theory of Relativity in Citizenship Law. Tehran: Tehran University; 2008.
16. Naeini MH. The Punishment of Alamah and the Tanziyya Alamlah. Qom: Book Garden; 2003.
17. Mohaghegh Damad M. Rules of Civil Jurisprudence. Tehran: Islamic Science Publishing Center; 2004.
18. Mohaghegh Damad SM. Islamic State and Scientific Interviews. Imam Khomeini Commemoration Congress. Tehran: Imam's Works; 1993.
19. Ibn Athir A. Al-Kāmel fi al-Tarikh. Beirut: Dar Sadr; 2006.
20. Frieden M. Human Rights Foundations. Translated by Majlesi F. Tehran: Department of State Publication; 2005.
21. Taleghani SM. Partovi az Quran. Tehran: Institute of Contemporary History Studies of Iran; 2010.
22. Khomeini R. Ketab al-Bai. 4th ed. Qom: Ismaili Publications; 1410 AH.